

بررسی تأثیر قرآن کریم در غزلیات امام خمینی (س) با رویکرد بینامتنیت

محمد غفوری فر^۱

طاهره محسنی^۲

چکیده: بر اساس نظریه بینامتنی، هر متنی، آنگاه یا ناخود آگاه، زایش و بازخوانشی از دیگر متون پیش از خود یا معاصر با خود است. بنابر این نظریه، بسیاری از متون معاصر را می‌بینیم که هر کدام در انواع مختلف، با متون کلاسیک، دارای روابط بینامتنی است و سهم قرآن در این میان، از دیگر متون بیشتر بوده است. سروده‌های امام خمینی به عنوان یکی از اشعار معاصر فارسی، بنابر نظریه بینامتنی، رویکرد بی‌نظیری به قرآن کریم دارد، پژوهش حاضر بر آن است با روش توصیفی - تحلیلی به تشریح گونه‌های مختلف بینامتنی قرآنی در غزلیات امام خمینی بپردازد تا از این رهگذر به شناخت میزان تأثیرگذاری قرآن بر غزلیات امام خمینی دست یابد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سروده‌های امام خمینی گاه الفاظ، مضامین، شخصیت‌ها و داستان‌های قرآنی را منبع الهام خویش قرار می‌دهد و بیشترین شکل بینامتنی قرآنی به کار رفته، در سروده‌ها به صورت نفی متوازی است.

کلید واژه‌ها: قرآن، بینامتنی، امام خمینی، غزل، سروده‌ها.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کوثر، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول)
E-mail: m.ghafourifar65@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه امام صادق^(ع) پردیس خواهران. تهران، ایران.
E-mail: t.mohseni@isu.ac.ir

۱. مقدمه

قرآن مجید کتاب دینی ماست، معانی و مفاهیم آن در طول چهارده قرن از جهات مختلف در حیات فردی و اجتماعی ما تأثیر پنهان و آشکار نهاده است. چنان که امروزه نمی‌توان جنبه‌ای از جنبه‌های گوناگون زندگی مسلمانان را یاد کرد که قرآن کریم و معانی والای آن به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم، در آن تأثیری نگذاشته باشد (حلبی ۱۳۷۴: ۱۱) از سوی دیگر، شعر آیینی‌ای است که می‌توان افکار، احساسات، بینش‌ها و اعتقادات شاعر را در آن به نظاره نشست. بر این اساس، کاملاً طبیعی است که افکار مذهبی و باورهای دینی و گرایش‌های ایمانی شاعر در شعرش جلوه نماید و به همین دلیل است که در شعر شاعران مسلمان، مسائل مذهبی به وفور یافت می‌شود. از آنجا که سرچشمه مذهبی مسلمین، قرآن کریم است، پس عجب نخواهد بود که جلوه‌هایی از این کتاب آسمانی در اشعار شاعران مسلمان، پرتوافشانی نماید.

بنابراین، اگر به شعر و ادب فارسی، با دقت و تأمل بنگریم، روشن می‌شود که «جان‌مایه و جوهر آن، از دین مبین اسلام نشأت گرفته و اندیشه‌های شعرا و ادبای این قلمرو پهناور از آموزه‌ها و تعالیم ناب اسلامی، احادیث نبوی و ائمه اطهار و در رأس همه آن‌ها، قرآن کریم، سرچشمه گرفته است.» (خواجeh اف ۱۳۸۶: ۴۲) با نگاهی به سروده‌های اغلب شاعران ایرانی، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق تأثیرپذیری از قرآن یاد نمود.

زبان شعری امام خمینی نیز به‌نوعی اشارات و تلمیحات قرآنی در دیوان و به‌ویژه غزلیاتش توأم با ایهام و اجمال و کنایت است و این اجمال و ایهام گاه چنان ظریف و همراه با نازک‌خیالی است که بازیابی و زلال نمودن آن‌ها نیاز به دستی توانا در علوم قرآنی و روایی و ذوقی لطیف در شعر و ادب دارد. در این نوشتار سعی شده است تا از دریچه نظریه بینامتنی، به غزلیات امام خمینی که در تعامل گسترده با قرآن است، نگریسته شده و با روش توصیفی - تحلیلی، همراه با استقراء و استخراج شواهد قرآنی و تحلیل آن‌ها، بینامتنی قرآنی موجود در غزلیات ایشان مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین ضرورت دارد که در ابتدا نظریه بینامتنی و روابط آن تبیین شود، آنگاه رابطه بینامتنی غزل‌های امام خمینی با قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱. فرضیه تحقیق

قرآن کریم تأثیر گسترده و عمیقی بر غزلیات امام خمینی گذاشته که شواهد متعدد و متنوعی از آن وجود دارد.

۲-۱. هدف تحقیق

هدف این مقاله تبیین کیفیت و کمیت بینامتنی بین قرآن و غزلیات امام خمینی و اثبات زاویه دیگری از بلاغت، زیبایی و غنای قرآن کریم است.

۳-۱. روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است که با استقراء و استخراج شواهد و تحلیل آن‌ها، بینامتنی غزل‌های امام خمینی با قرآن کریم که شامل بینامتنی الفاظ، مضمون، داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی است، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. نظریه بینامتنی

اصطلاح بینامتنی یا تناص، اولین بار از طرف محقق و پژوهشگر بلغاری ژولیا کریستوا به کار گرفته شد و او نخستین کسی است که این اصطلاح را در ضمن کتابش به نام «متن رمان» در سال ۱۹۶۶ مطرح کرد (کریستوا ۱۳۸۱: ۴۴).

برخی از محققان بر این باورند که جرقه‌های این نظریه پیش از ژولیا در گرایش‌های فرمالیست‌های روس همچون میخائیل باختین دیده شده است (عزام ۲۰۰۵: ۲۸)؛ اما حقیقت این است که باختین اصطلاح بینامتنی را صراحتاً به کار نگرفت؛ بلکه اصطلاح گفت‌وگومندی^۱ را برای دلالت بر روابط تداخل میان تعبیر به کار گرفت (طعنه حلبی ۲۰۰۷: ۴۵)؛ گفت‌وگومندی به رابطه ضروری هر پاره‌گفتاری با پاره‌گفتارهای دیگر اطلاق می‌شود؛ از نظر باختین، هر پاره‌گفتاری می‌تواند به هر مجموعه‌ای از نشانه‌ها، خواه یک گفته، شعر، ترانه، نمایش و خواه یک فیلم، اشاره کند. در واقع، هر متنی محل تقاطع متون دیگر است (صفوی ۱۳۷۶: ۲۷۶).

از دیگر پیشگامان این علم ویکتور شکلووسکی است که در مقاله «هنر به مثابه تمهید» اصطلاح «مناسبات بینامتنی» را متأثر از گفت‌وگومندی باختین مطرح کرد، به گفته شکلووسکی: «در میان تمامی تأثیرپذیری‌های هنری، تأثیری که متنی ادبی از متنی دیگر می‌گیرد، مهم‌ترین تأثیر است» (استم ۱۳۸۶: ۲۰۱).

برخی دیگر از محققان نیز تعبیر «میشل اِکِم دو مونتینی» درباره این که کتاب‌های زیادی درباره کتاب‌های دیگر نوشته می‌شود تا درباره موضوعات دیگر و تعبیر «تی. اس. الیوت» از «سنت و استعداد فردی» را تلویحاً اشاره به مسئله بینامتنیت می‌انگارد، با وجود این هیچ کدام از

آن‌ها به هیچ وجه اشاره‌ای به واژه بینامتنیت نکرده‌اند (شکلوفسکی ۱۳۸۰: ۵۵) و تنها ژولیا کریستوا این اصطلاح را به کار برد.

ژولیا کریستوا مبدع نظریه «بینامتنی»، این پدیده را برای تمام متون، اجتناب‌ناپذیر و حتمی می‌داند و معتقد است که: «هر متن همچون معرّقی از نقل قول‌ها ساخته می‌شود. هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متن دیگر است» (کریستوا ۱۳۸۱: ۴۴)؛ همچنین بیان می‌دارد: «یک متن جایگشتی از متون و بینامتنی در فضای یک متن مفروض است که در آن گفته‌های متعدد اخذشده از دیگر متون باهم مصادف می‌شود و یکدیگر را خنثی می‌کند» (آلن ۱۳۸۰: ۵۳).

تعریف کریستوا از بینامتنی - هر متن برگرفته و تحولی از بسیاری از متون دیگر است - دو اصطلاح «متن حاضر» و «متن غایب (پنهان)» را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر و متونی که با متن کنونی تعامل داشته، متن غایب نامیده‌اند؛ یعنی هر گونه متنی (متن حاضر) حاصل فرآیند تبدیل (عملیات بینامتنی) از متون دیگری (متون پنهان) بوده است (موسی ۲۰۰۰: ۵۲ - ۵۱).

۳. عملیات بینامتنی

بینامتنی دارای سه رکن اساسی است: متن حاضر، متن پنهان و عملیات بینامتنی. انتقال لفظ یا معنا از متن پنهان به متن حاضر عملیات بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهم‌ترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. هر متنی متون مختلفی را در خود جای داده و در شکل جدیدی آن‌ها را بازآفرینی نموده است، به گونه‌ای که از این متون چیزی جز اشاراتی باقی نمی‌ماند که خواننده را به متن پنهان راهنمایی می‌کند (میرزایی ۱۳۸۸: ۳۰۵). ارتباط بین دو متن حاضر و غایب، یا صریح و آشکار است یا غیرصریح و پنهان، نویسنده گاه به‌طور کاملاً آگاهانه از متن غایب استفاده می‌کند و گاه ناآگاهانه و کاملاً اتفاقی از آن بهره‌مند می‌شود. ژولیا کریستوا این ارتباط را به سه دسته تقسیم نموده است که عبارتند از: نفی جزئی، نفی متوازی و نفی کلی (ریوقی ۲۰۰۹: ۱۲۲).

الف) نفی جزئی (اجترار): در آن مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و کمترین ابتکار و نوع آوری در آن وجود دارد (عزام ۲۰۰۵: ۱۱۶). بنابراین مؤلف متن غایب را بسیار هماهنگ با متن خود می‌آورد به طوری که خواننده می‌پندارد، هر دو متن از یک منبع سرچشمه گرفته‌اند؛ مقدار متن گرفته‌شده از متن غایب متفاوت است، به طوری که می‌تواند یک کلمه یا یک عبارت یا یک جمله و یا حتی چند جمله باشد که به دلیل عدم ابتکار و نوع آوری، شکلی ضعیف و سطحی از روابط بینامتنی را نشان می‌دهد.

(ب) نفی متوازی (امتصاص): در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف، متن پنهان را پذیرفته است و سعی می‌کند آن را به گونه‌ای در متن حاضر به کار ببرد که جوهره متن پنهان تغییر نکند (موسی ۲۰۰۰: ۵۵)؛ در این نوع رابطه بینامتنی، مؤلف از متن غایب دفاع می‌کند و متن خود را کاملاً هماهنگ با متن غایب می‌آورد تا پذیرش متن غایب را نشان دهد. او تلاش می‌کند که تغییری در متن حاضر ایجاد نشود؛ البته در مواقع ضروری ممکن است تفاوت اندکی با متن غایب داشته باشد، اما همان نقش و معنایی را که در متن غایب بر عهده داشت در متن حاضر نیز ایفا می‌کند، بنابراین از نفی جزئی یا اجترار برتر است.

(ج) نفی کلی (حوار): در این نوع از روابط بینامتنی خواننده برای درک و فهم روابط بینامتنی، باید متن حاضر را بسیار دقیق و ژرف مورد مطالعه قرار دهد تا بتواند متن پنهان را درک کند؛ زیرا مؤلف متن غایب را کاملاً بازآفرینی نموده است، حتی ممکن است عکس معنای متن پنهان را بیان کند (وعد الله ۲۰۰۵: ۳۷)؛ بنابراین این نوع روابط بالاترین نوع روابط بینامتنی است. این سه نوع رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، مهم‌ترین بخش بینامتنی (تناس) است که عملیات بینامتنی، آن را تبیین می‌کند. برخی از ناقدان عرب نیز برای عملیات بینامتنی، انواع و اشکال مختلفی ارائه داده‌اند که به شکل و نوع حضور متن غایب در متن حاضر اشاره دارد، برخی از این تقسیم‌بندی‌ها به صورت زیر است (ر.ک: کیوان ۱۹۹۸: ۲۳ - ۲۲):

تناس خارجی: این نوع تناس حاصل برخورد یک متن با متون دیگری غیر از متن‌های اصلی نویسنده است؛ این نوع تناس نسبت به انواع دیگر تناس از گستردگی بیشتری برخوردار است، مثل تناس قصائد محمود درویش با قرآن (میرزایی ۱۳۸۸: ۳۰۷).

تناس داخلی: حضور متن غایبی که از آن خود شاعر است در دیگر متنش، تناس ذاتی یا داخلی نام دارد (میرزایی ۱۳۸۸: ۲۳). قصیده «انشودة المطر» و «غریب علی الخلیج» دو اثر بدر شاکر سیاب نشان‌دهنده این شکل از تناس است (میرزایی ۱۳۸۸: ۳۰۷).

تناس طبیعی یا تلقائی: این نوع تناس به شکل عادت و از روی عرف در متون به کار می‌رود؛ کاربرد این نوع تناس امری طبیعی است. برای نمونه، کاربرد اطلال و خرابه‌های دیار یار و فراق محبوب در اشعار شاعران دوره جاهلی، از این نوع تناس است (میرزایی ۱۳۸۸: ۳۰۷).

عبدالمملک مرتاض نیز در بررسی روابط بینامتنی تعلقات سبع با متون دیگر، تناس را به سه نوع تناس لفظی، تناس مضمون و تناس ذاتی تقسیم نموده و سپس نوع روابط هر کدام را شرح داده است (مرتاض ۱۹۹۱: ۳۶۹ - ۳۹۰):

(۱) تناس لفظی: در این نوع تناس، نویسنده یا شاعر، به طور آگاهانه، واژگان متن غایب را

بدون تغییر در متن حاضر به کار می‌برد.

(۲) تناص مضمون: در این نوع تناص، نویسنده یا شاعر، معانی موردنظرش را به‌طور آگاهانه و با شیوه هنرمندانه از متن غایب برگرفته و در متن حاضر به کار می‌برد.

(۳) تناص ذاتی: این نوع تناص، به شکل عادی و از روی عرف در متن ادبی به کار می‌رود، ذکر اطلاق و دمن در اشعار، شامل این نوع تناص می‌شود. به‌عنوان نمونه عبدالملک مرتاض در بررسی روابط تناص (بینامتنی) مملقات سبع با متون دیگر، آن را به تناص لفظی، تناص مضمون و تناص ذاتی تقسیم کرده و سپس نوع روابط هر کدام را شرح داده است.

۴. نگاهی به زندگی و شعر امام خمینی

امام خمینی یک‌صد سال پیش (۱۲۸۱ هـ.ش) در شهر خمین در یک خانواده روحانی دیده بر جهان گشود پس از طی مدارج عالی علمی در حوزه علمیه قم به‌عنوان استادی گران‌قدر و مجتهدی عالم، مشهور گشت. او در کنار تحصیلات دینی، به فلسفه و عرفان پرداخت و در سن ۴۴ سالگی بزرگ‌ترین کرسی تدریس به وی اختصاص داشت؛ در این دوران عده کثیری از مشتاقان معرفت و ده‌ها مجتهد و مفسر قرآن کریم از کلاس‌های درس ایشان کسب فیض می‌کردند. این شخصیت برجسته در هر فرصت ممکن مخالفت خود را با سیاست‌های ظالمانه رژیم شاهنشاهی اعلام می‌داشت و به افشاگری استعمارگران و حکومت وابسته آن‌ها می‌پرداخت، در نتیجه فعالیت‌های سیاسی ایشان رژیم شاهنشاهی سرنگون و جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد. سپس با عبور دادن پیروزمندانه کشور و مردم ایران از ساحل سخت دوران انقلاب و جنگ تحمیلی در هشتاد و هفت سالگی چشم از این جهان فروبست و به دیدار حق شتافت.

اگر در عالم ذهن خود انسانی را مجسم کنید با اوصافی که گفته شد و با آن همه مشغله علمی و سیاسی و رهبری، گهگاهی نیز به شعر روی آورده است، یقین می‌کنید که او شاعر نبوده؛ ولی از آنجاکه شعر یکی از زیباترین وسیله انتقال ما فی الضمیر است با توسل به شعر و کلام موزون، توانسته است گوشه‌ای از غلیان عشق و احساس و اندیشه را بیان کند.

امام در کنار وظایف سنگین و مشغله‌های زیاد خود، هرگاه فراغت یافته، در خلوت و اوقات خاص با زبان شعر حدیث درد فراق دلدار را در قالب الفاظ و کلمات موزون بر ورق‌پاره‌ای نگاشته است (امام خمینی ۱۳۸۳: ۲۰ مقدمه).

دیوان امام خمینی دارای ۱۴۹ غزل، ۱۱۷ رباعی، ۳ قصیده، دو مسمط، ۱ ترجیع‌بند و برخی قطعات و ابیات دیگر است. بیشترین قالب شعری مورد استفاده امام، غزل است که در آن‌ها

اغلب تحت تأثیر قرآن بوده است. چنین برمی آید که سروده‌های امام خمینی متعلق به سنت کهن ادب فارسی است و امام خمینی در اشعارش زبانی ساده، روان و بسیار صمیمی دارد؛ آن‌چنان که در رفتار و منش فردی و اجتماعی خود نیز چنین بوده، رباعیات و غزلیاتی که از امام باقیمانده است، همگی حکایت‌گر روحی عاشق و ضمیری واله و شیدا است.

۵. بینامتنی قرآنی در غزلیات امام خمینی

شاعران برای انتقال مفاهیم انسانی، قومی، اخلاقی و وطنی، از منابع الهامی متعددی بهره می‌برند. میراث دینی و بالأخص قرآن کریم یکی از مهم‌ترین منابع الهام شعرا به شمار می‌رود. این خصیصه در شعر بیشتر شاعران معاصر ایرانی و به‌خصوص غزلیات امام خمینی به‌خوبی نمایان است. اشتیاق و وصف‌ناپذیر امام خمینی به کتاب آسمانی، موجب شده خوانندگان شعرش، تأثیر کلام دل‌نشین الهی بر شعر و سخن وی را احساس نمایند.

در بررسی بینامتنی امام خمینی از قرآن، می‌توان به اشکال مختلف و متنوعی، بهره‌گیری این شاعر خوش‌قریحه را از این کتاب آسمانی مشاهده نمود که در ادامه به مهم‌ترین آن اشاره می‌گردد.

۵-۱. بینامتنی لفظی

از میان ابیات غزلی که امام خمینی از بینامتنی لفظی بهره‌جسته، می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد.

۱. متن حاضر:

گر تو آدم زاده هستی عَلمَ الأسماء چه شد
قَابَ قَوْسَینَ کجا رفته است او ادنی چه شد
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۹۴)

متن غایب: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۳۱)؛ «و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید».

«ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم: ۹-۸)؛ «سپس نزدیک آمد و نزدیک‌تر شد، تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیک‌تر شد»؛ در این بیت، به‌محض دیدن واژگان «عَلمَ الأسماء، قاب قوسین، ادنی» به‌روشنی دیده می‌شود که امام خمینی به شیوه

هنرمندانه‌ای از واژگان متن غایب (آیه ۳۱ سوره بقره و آیه ۸-۹ سوره نجم) در متن خود بهره می‌جوید. واضح‌ترین شکل بینامتنی به کاررفته در این بخش، بهره‌گیری نویسنده از الفاظ قرآنی است که در واقع در متن حاضر، دارای همان معنایی است که در متن غایب ایفای نقش می‌کند. نوع بینامتنی به کاررفته در این بخش، نفی متوازی (امتصاص) است؛ زیرا نویسنده برخی واژگان متن غایب را عیناً در متن حاضر آورده و نوعی تعامل آگاهانه با متن غایب انجام داده است، به گونه‌ای که جوهره متن پنهان، در آن تغییر نکرده است.

۲. متن حاضر:

هیئات، که تا اسیر دیو نفسی از راه «دنا» سوی «تدلی» گذری
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۲۴۴)

متن غایب: «نَمَّ دَنَا فَتَدَلَّى» (نجم: ۸)؛ «سپس نزدیک آمد و نزدیک تر شد».

این بیت بازتابی از واژگان آیه ۸ سوره نجم «دنا و تدلی» را به نمایش می‌گذارد و یک بینامتنی لفظی با متن غایب برقرار می‌سازد، این بازتاب، به گونه‌ای در متن حاضر منعکس شده است که در محتوا و مضمون با متن غایب تفاوت اندکی دارد، بدین ترتیب که در متن حاضر، امام از واژگان آیه مذکور به عنوان دو مقام یاد می‌کنند که برای رهایی از دیو نفس لازم است؛ اما متن غایب اشاره به معراج پیامبر و نزدیک شدن به خداوند است. رابطه این بیت با قرآن کریم از نوع نفی کلی (حوار) است که در آن مضمون متن حاضر با متن غایب تفاوت دارد.

۳. متن حاضر:

حق غنی است، برو پیش غنی نزد مخلوق، گدایی بس کن
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۱۷۲)

متن غایب: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ» (بقره: ۲۶۷)؛ «و بدانید که خداوند، بی‌نیاز ستوده [صفات] است».

عملیات بینامتنی: در این بیت، امام خمینی به شیوه مستقیم از واژه «غنی» در متن غایب (آیه ۲۶۷ سوره بقره) الهام گرفته و در متن خود ذکر کرده است. وی علاوه بر واژه قرآنی، از ناحیه معنایی نیز از قرآن تأثیر پذیرفته است. در متن غایب سخن از بی‌نیازی خداوند است، امام خمینی

نیز معنای موردنظر در آیه قرآنی را در عبارت خود بیان داشته و به شیوه هتمندانه از آن در جهت هدف موردنظر خود بهره جسته است.

نوع بینامتنی به کاررفته در این بخش نفی متوازی (امتصاص) است؛ زیرا نویسنده برخی واژگان متن غایب را عیناً در متن حاضر ذکر نموده و نوعی تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار ساخته است.

۲-۵. بینامتنی مضمون

۱. متن حاضر:

روزی ار رخ بنماید زنهانخانه خویش
فاش گردد که به پیدا و نهان حاکم اوست
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۶۲)

متن غایب: «يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (غافر: ۱۶)؛ «آن روز که آنان ظاهر گردند، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی ماند. امروز فرمانروایی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهار است».

این بیت (متن حاضر)، از جمله مضامینی است که امام خمینی از محتوای الفاظ آیه ۱۶ سوره غافر الهام گرفته است و با تغییر در کلمات متن غایب، متن جدیدی را ایجاد نموده که همان مضمون متن غایب را داراست. در این بیت امام خمینی، سخن از حکومت بلامنازع دوست در پیدا و نهان جهان را با الگوبرداری از آیات قرآنی ذکر می کند.

نوع بینامتنی به کاررفته در این بیت را می توان نفی متوازی (امتصاص) دانست؛ زیرا مضمون متن حاضر در تعامل با متن غایب قرار دارد و تفکر و اندیشه قرآنی را تکرار می کند.

۲. متن حاضر:

همه جامنزل (محفل) عشق است که یارم همه جاست
کور دل آنکه نیابد بجهان جای تو را
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۴۲)

ذره‌ای نیست به عالم که در آن عشقی نیست
بارک الله که کران تا به کران حاکم اوست
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۶۲)

هر جا روند جز سر کوی نگار نیست
هر جا نهند بار همان جا بود نگار
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۱۲۰)

متن غایب: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَنَّمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۱۱۵)؛ «و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست. آری، خدا گشایشگر داناست».

عملیات بینامتنی: در این آیات، امام خمینی، بیان می‌دارد که خداوند همه جا و همه گاه حضور داشته و در سمت و سوی مخصوصی نیست، قرآن نیز سخن از وجود خدا در هر جا و رو به هر سوی دارد. نویسنده بار دیگر از مضامین قرآنی در غزلیات خود استفاده کرده است، به گونه‌ای که مضمون آیات مذکور را مستقیماً و بدون تغییر در متن خود ذکر می‌کند. این آیات از نظر مضمون با متن غایب در تعامل است و معنی و مضمون در دو متن تفاوتی با یکدیگر ندارند. نویسنده با تشبیه متن حاضر به متن غایب حضور خداوند در هر مکانی را یادآور می‌شود، از این رو کاربرد تناص در این بخش را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست.

۳. متن حاضر:

شیطان عالم شدی اگر که بدین نور ناگفتی آدم است خاک و من آذر
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۲۵۴)

متن غایب:

«قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف: ۱۲)؛
«فرمود: چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی».

عملیات بینامتنی: این بیت، یک تعامل آشکار با مضمون آیه مذکور دارد. امام به شکل موازی و هماهنگ با مضمون متن غایب از این نوع تناص استفاده می‌کند و مضمون آیه مذکور را که مربوط به قیاس نابجای شیطان نسبت خود و انسان است در متن خود به نمایش می‌گذارد. رابطه این بیت با قرآن از نوع نفی متوازی (امتصاص) است که در آن مضمون متن حاضر هماهنگ با مضمون متن غایب است.

۴. متن حاضر:

عاشق روی توام ای گل بی مثل و مثال به خدا غیر تو هرگز هوسی نیست مرا
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۴۱)

متن غایب: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱)؛ «چیزی مانند او نیست».

این بیت، تعاملی آشکار با مضمون آیه مذکور دارد. امام خمینی مضمون عبارت «ای گل بی مثل و مثال» را که مربوط به (بی‌همتایی خداوند است) با الگوبرداری از آیه قرآنی ذکر می‌کند. بدین ترتیب، مضمون متن حاضر، بازتابی از مضمون متن غایب است و رابطه بینامتنی

به کاررفته در این بیت، نفی متوازی (امتصاص) است.

۵. متن حاضر:

وای اگر پرده ز اسرار بیفتد روزی
فاش گردد که چه در خرّقه این مهجور است
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۵۲)

متن غایب: «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرِ» (طارق: ۹)؛ «آن روز که رازها [همه] فاش شود».

عملیات بینامتنی: در این بیت، امام خمینی از آیه ۹ سوره طارق الهام می‌گیرد، آیه مذکور سخن از روزی دارد که اسرار آشکار می‌شود، امام خمینی دقیقاً این مضمون و اندیشه را با اقتباس از آیات الهی، در متن حاضر بازآفرینی نموده است. نویسنده در تعامل با آیه، از نوع بینامتنی نفی متوازی بهره‌جسته است و متن غایب را به‌طور مستقیم و در همان مضمون قرآنی آورده و یک تعامل آگاهانه با متن غایب برقرار کرده است.

۶. متن حاضر:

او بود و کسی نبود با او
یکتای و غریب وار آمد
(امام خمینی ۱۳۸۳: ۹۵)

متن غایب: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ»؛ بگو: «او خدایی است یکتا، خدای صمد، نه کس را زاده، نه زائیده از کس».

عملیات بینامتنی: در این بخش، امام به یکتا بودن و بی‌همتایی خداوند اشاره دارد همان‌طور که آیات متعددی از قرآن نیز به این مطلب اشاره دارند. در هر دو متن حاضر و غایب، به یکتا بودن خداوند اشاره شده است و در حقیقت یک بینامتنی مضمون بین این دو متن دیده می‌شود. در واقع هدف نویسنده از کاربرد این نوع بینامتنی، این است که می‌خواهد یکتا بودن خداوند را که در قرآن ذکر شده، به دیگران گوشزد کند؛ بنابراین کاربرد تناس در این مقطع را می‌توان نفی متوازی (امتصاص) دانست؛ چراکه نویسنده هم در اندیشه و هم مضمون با متن غایب در تعامل است و تفکر قرآنی را در متن خود تکرار می‌کند.

۳-۵. بینامتنی شخصیت‌ها و داستان‌های قرآنی

امام خمینی از شخصیت‌ها و داستان‌های مختلف قرآنی در غزلیات خود به نحو زیبایی بهره‌گرفته است، به نمونه‌هایی از این داستان‌ها می‌پردازیم.

۱. متن حاضر:

داود وار نغمه زنان ساغری بیار غافل ز درد جاه و نشیب و فراز کن

(امام خمینی ۱۳۸۳: ۱۷۱)

متن غایب: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّارَ لَهُ الْحَدِيدُ» (سبأ: ۱۰).

«و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم. [و گفتیم:] ای کوه‌ها، با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]. و آهن را برای او نرم گردانیدیم.»

عملیات بینامتنی: در این بیت از متن غایب به شیوه مستقیم استفاده شده است و با به کارگیری نام حضرت داود^(ع) که در قرآن نماد شخصیتی دارای آواز و لحن خوش است، گوینده و شنونده را به سمت متن غایب سوق می‌دهد. امام خمینی در این بینامتنی از این شخصیت دینی در همان مضمون قرآنی یاد می‌کند، نوع تناص نفی جزئی (اجترار) است؛ زیرا متن حاضر بدون هیچ گونه تغییری با متن غایب، در تعامل است.

۲. متن حاضر:

تا جلوه او جبال را دک نکند تا صعق تو را ز خویش مندک نکند

پیوسته خطاب لن ترانی شنوی فانی شو تا خود از تو منفک نکند

(امام خمینی ۱۳۸۳: ۲۱۰)

متن غایب: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرْنِي أَنْظُرَ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۱۴۳)؛ «و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر؛ پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید.» پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت، و موسی بیهوش بر زمین افتاد، و چون به خود آمد، گفت: «تو منزهی! به درگاہت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم.»

عملیات بینامتنی: این بیت، با مضمون داستان قرآنی حضرت موسی و جلوه جمال الهی بر کوه طور در تعامل است. شاعر متن حاضر را با کمی تغییر به شکل موازی و هماهنگ با متن غایب مرتبط ساخته و با بکارگیری واژگان «صعق» و «لن ترانی» که در قرآن بیانگر داستان حضرت موسی و جلوه جمال الهی بر کوه طور است، از بینامتنی داستان‌های قرآنی بهره می‌گیرد و یک

نوع تناص نفی متوازی (امتصاص) بین متن غایب و متن حاضر وجود دارد.

۳. متن حاضر:

خواست شیطان بد کند با من ولی احسان نمود

از بهشتم برد بیرون بسته جانان نمود

(امام خمینی ۱۳۸۳: ۱۱۵)

متن غایب: «و قُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَ كَلَا مِنْهَا رَعَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا يَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸-۳۵)؛ «گفتیم: ای آدم، خود و همسرت در این باغ سکونت گیرید؛ و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید؛ و [لی] به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود. پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند؛ و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد؛ و فرمودیم: «فروید آید، شما دشمن همدیگرید؛ و برای شما در زمین قرارگاه، و تا چندی برخورداری خواهد بود» سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود؛ و [خدا] بر او ببخشد؛ آری، او [است که] توبه پذیر مهربان است. فرمودیم: «جملگی از آن فروید آید. پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایتم را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد.»

عملیات بینامتنی: در این نمونه ارتباط بینامتنی زیبا و هنرمندانه‌ای بین متن غایب و متن حاضر، برقرار شده است، زیرا فضای معنای متن حاضر، متفاوت از فضای متن غایب است. امام خمینی با دیدی ظریف و عرفانی مضمون داستان حضرت آدم و رانده شدنش از بهشت را تغییر داده و بدکاری شیطان در حق آدم را احسانی ناخواسته تلقی می‌کند؛ زیرا که آدمی پس از هبوط بیشتر تشنه‌ی لقای دلدار ازلی شده و خویش را پروانه‌وار برای قرب به حضرتش به آتش بلایا و شداید می‌زند.

رابطه این بیت با داستان قرآنی از نوع نفی کلی (حوار) است که در آن مضمون متن حاضر با متن غایب مخالفت دارد و این مخالفت در معنای عمیق متن حاضر برای ایجاد معنای دلخواه و تأثیر بیشتر مشخص است.

۴. متن حاضر:

ساقی از جام جهان، تاب بجان عاشق
آنچه با جان خلیل آتش نمرود نمود

(امام خمینی ۱۳۸۳: ۱۱۴)

متن غایب: «وَقُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء: ۶۹)؛ «گفتم: «ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش»».

عملیات بینامتنی: در این ابیات بهره‌گیری از مضمون داستان قرآنی به روشنی دیده می‌شود، متن غایب اشاره به داستان در آتش افکندن ابراهیم از طرف نمرود به سبب دعوت به خدای یگانه دارد که امام خمینی در ابیات مذکور با کمی تغییر به زیبایی از این داستان برای نشان دادن به درآمدن سرفرازانه جان عاشق از آتش امتحان عشق معشوق استفاده کرده است. نوع بینامتنی موجود در این بخش نفی متوازی است.

۵. متن حاضر:

گر سلیمان بر غم مور ضعیفی رحمت آرد
در بر صاحب‌دلان والای و سرافراز گردد

(امام خمینی ۱۳۸۳: ۷۶)

متن غایب: «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل: ۱۷-۱۸)؛ «و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته دسته گردیدند. تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت: «ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، مبادا سلیمان و سپاهیان - ندیده و ندانسته - شما را پایمال کنند.»

عملیات بینامتنی: در این بیت، متن حاضر با مضمون داستان حضرت سلیمان در قرآن که در هنگام لشکرکشی به سبا از وادی مورچگان عبور می‌کرد، در تعامل است، امام خمینی ارتباط بینامتنی زیبا و هنرمندانه‌ای بین متن غایب و متن حاضر، برقرار کرده است، بدین گونه که با تغییر جزئی در مضمون آیه، سالک طریق الی‌الله را در برابر حشمت سلیمانی معشوق ازلی به مور مانند کرده و به زیبایی از بینامتنی نفی متوازی (امتصاص) بهره می‌گیرد.

۶. متن حاضر:

یوسفا از چاه بیرون آئی تا شاهی نمایی گر چه از این چاه بیرون آمدن آسان نبودى

(امام خمینی ۱۳۸۳: ۱۸۰)

متن غایب: «فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (یوسف: ۱۵)؛ «پس وقتی او را بردند و همداستان شدند تا او را در نهنخانه چاه بگذارند [چنین کردند]. و به او وحی کردیم که قطعاً آنان را از این کارشان - در حالی که نمی‌دانند - با خبر خواهی کرد».

عملیات بینامتنی: این بیت تجلی گزارشی تفسیری از داستان حضرت یوسف است که برادران بر اثر حسادت بر یوسف او را در چاه انداختند و به تقدیر الهی سرانجام عزیز مصر شد و این تجلی تأویلی نیز دارد که مقصود از (یوسف) روح پاک و پاکیزه بشر است و (چاه) در اینجا زندان تن است یعنی تعلقات مادی.

در این بیت بینامتنی داستان قرآنی به روشنی دیده می‌شود، امام خمینی در این بیت به طور مستقیم از متن غایب استفاده نکرده است، بلکه مضمون قرآنی را تغییر داده و برای تقریب به ذهن نمودن معنای روح پاکیزه و زندان تن از داستان حضرت یوسف که در قرآن ذکر شده الهام می‌گیرد، ایشان حضرت یوسف را نماد روح پاکیزه و چاه را زندان تن معرفی می‌کند و بدین ترتیب از بینامتنی نفی کلی (حوار) که بالاترین نوع تناص هست، بهره می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل روابط بینامتنی غزل‌های امام خمینی با قرآن کریم، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. روابط بینامتنی غزلیات امام خمینی با قرآن کریم در سطح گسترده‌ای است که شامل: لفظی، مضمون، شخصیت‌ها و داستان‌های قرآنی است که بیشترین گونه ارتباطی غزلیات با قرآن کریم از نوع تناص داستان‌های قرآنی و به صورت آگاهانه است.
۲. در بینامتنی لفظی، امام خمینی با کاربرد واژگان قرآنی در قالبی متناسب و با استفاده از قدرت نویسندگی خویش، توانسته است، ضمن نوآوری، توجه خوانندگان را به سروده‌های خود جلب نماید.
۳. در بینامتنی مضمون، امام خمینی با بهره‌گیری از آموخته‌های قرآنی خود، سعی نموده تا از مضامین قرآنی بدون توجه به واژگان قرآنی بهره‌گیری کند.
۴. بینامتنی داستان‌ها و شخصیت‌ها: امام خمینی با ذکر داستان و نام شخصیت‌های قرآنی،

خوانندگان را به حکایتی که در قرآن ذکر شده، راهنمایی می کند.

۵. تعامل غزلیات امام خمینی به عنوان متن اصلی (متن حاضر) با قرآن کریم به عنوان متن غایب یا پنهان، غالباً آگاهانه و بیشتر از نوع نفی متوازی (امتصاص) است. شایان ذکر است که امام خمینی به ندرت از نفی جزئی (اجترار) و نفی کلی (حوار) بهره گرفته است.

منابع

- آلن، گراهام. (۱۳۸۰) *بینامتنیت*، ترجمه پیام یزاد نجو، تهران: نشر مرکز.
- استم، رابرت. (۱۳۸۶) *تحلیل متنی*، ترجمه احسان نوروزی در درآمدی بر نظریه فیلم (رابرت استم)، به کوشش احسان نوروزی، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ اول.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۳) *دیوان امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۴) *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ سوم.
- خواجه آف، شاه منصور. (مهر ۱۳۸۶) «کلام خدا در شعر سهراب سپهری» قرآن بالای سرم، *کیهان فرهنگی*، شماره ۲۵۲.
- ریوقی، عبدالحلیم. (۲۰۰۹) «مقاربات بین النقد الغربی الحدیث والنقد العربی القديم (التناص أنموذجاً)»، *مجله دراسات أدبیه*، الجزائر: مرکز البصیره للدراسات والبحوث، العدد الثاني.
- شکلوفسکی، ویکتور. (۱۳۸۰) *هنر به مثابه فن*، ترجمه هادی ساسانی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صفوی، کورش. (۱۳۷۶) *مناسبات بینامتنی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- طعمة حلبی، احمد. (۲۰۰۷) *التناص بین النظرية و التطبيق*، دمشق: وزارة الثقافة، الطبعة الأولى.
- عزام، محمد. (۲۰۰۵) *شعرية الخطاب السردی*، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب، الطبعة الأولى.
- کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۱) *کلام، مکالمه و زمان*، ترجمه پیام یزدان جو، تهران: نشر مرکز.
- کیوان، عبدالعاطی. (۱۹۹۸) *التناص القرآنی فی شعر أمل دنقل*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- مرتاض، عبد الملك. (۱۹۹۱) «فكرة السرقات الأدبية و نظرية التناص»، *مجلة علامات*، النادی الأدبی للجدة، شماره ۱.
- موسی، خلیل. (۲۰۰۰) *قراءات فی الشعر العربی الحدیث والمعاصر*، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- میرزایی، فرامرز. (۱۳۸۸) «روابط بین متنی قرآن با اشعار احمد مطر»، *تشریه دانشکده ادبیات*، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲۵.
- وعده الله، لیدیا. (۲۰۰۵) *التناص المعرفی فی شعر عزالدین المناصره*، القاهرة: دار المندلاوی، چاپ اول.